

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۷، شماره پیاپی ۲۸، زمستان ۱۳۹۶

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه‌ی پایدار اجتماعی شهرها

(مورد مطالعه: محله‌ی سرتپوله - شهر سنندج)^۱

ژیلا سجادی: دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

فرید واحدی یگانه: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳۰

صص ۱۶۶-۱۵۱

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۳

چکیده

محله‌ها از عناصر مهم و مؤثر تشکیل‌دهنده‌ی حیات اجتماعی شهری به شمار می‌روند. در مبانی نظری مرتبط با توسعه محله‌ای نوین، اهمیت مشارکت ساکنین محله، در قالب الگوهای برنامه‌ریزی فرآیندگرا و تعامل محور مورد تأکید قرار گرفته است. برنامه‌ریزی اجتماعات محلی با تأکید بر دیدگاه پایین به بالا بر توانمندسازی، افزایش سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محلات تأکید دارد. هدف این پژوهش، بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه‌ی پایدار اجتماعی محله‌ی سرتپوله سنندج است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده، نوع آن کاربردی می‌باشد. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، از طریق پرسشنامه و پیمایشی صورت گرفته است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و از ۳۰۸ خانوار ساکن در محله، ۵۰ سرپرست خانوار با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۳ درصد برای پرسشگری انتخاب شدند. در نهایت نتایج حاصله از طریق نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج بدست آمده نشانگر آن است که، عواملی همچون "همگرایی اجتماعی قوی میان همسایگان، اعتماد بین ساکنین محله، حس تعلق مطلوب به محله" بیشترین تاثیر را در پایداری اجتماعی محله دارند. همچنین بین حس تعلق و مدت اقامت در محله، و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله رابطه‌ی معناداری وجود دارد (با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، سطح معناداری هر دو شاخص کمتر از ۰,۰۵ و شدت همبستگی نیز به ترتیب بیشتر از ۰,۵ (۰,۷۷۹ و ۰,۹۰۳). همچنین؛ شاخص‌های "حس تعلق به محله، اعتماد بین ساکنین محله، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده‌ی محله و رضایت از محله؛" به ترتیب با ارزش عددی ۰,۷۷۱، ۰,۳۳۸ و ۰,۱۴۳ دارای ارتباط مستقیم؛ و نیز شاخص‌های "شرکت در فعالیت جمعی، توجه به منافع ساکنین محله، همگرایی اجتماعی ساکنان، و مشارکت ساکنان؛" به ترتیب با ارزش عددی ۰,۱۷۱، ۰,۲۳۴، ۰,۱۸۵ و ۰,۰۲۷ دارای ارتباط غیرمستقیم با پایداری اجتماعی محله هستند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، محله، اجتماعات محلی، توسعه‌ی پایدار اجتماعی، محله‌ی سرتپوله، سنندج.

^۱ . این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد فرید واحدی یگانه به راهنمایی دکتر زیلا سجادی تحت عنوان "نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی محله - در محله سرتپوله سنندج" است، که در دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی تهران دفاع شده است.

^۲ . نویسنده مسئول: J_Sajadi@sbu.ac.ir، ۰۹۱۲۲۰۸۴۰۱۷

بیان مسأله:

رشد روزافزون شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها به عنوان اصلی اجتناب‌ناپذیر در جوامع امروزی بخصوص در شهرهای کشورهای در حال توسعه، سبب تغییرات اساسی در ساختار شهرها شده است (2: Sarafi, 2003). با گسترش رویکرد شهرسازی نوین و طرح دیدگاه‌های توسعه پایدار اجتماعات محلی، توجه دولت‌ها و جوامع به ایجاد بسترهای مشارکتی برای افزایش تأثیرگذاری سطوح مختلف اجتماعی و ابعاد ملموس زندگی شهری بر طرح‌ها جلب، و ارزش‌های محله‌مبنا و مفاهیمی چون احساس هویت و تعلق به مکان، مسئولیت‌پذیری، مشارکت جمعی و اصالت بخشی به نقش مردم، سرمایه‌های اجتماعی و توجه به نقش مشارکتی گروه‌های ذینفع و ذینفوذ در طرح‌ها و پروژه‌های شهری دوباره مورد توجه قرار گرفت (106: Onyx and Bullen, 2000). در نیم قرن اخیر، الگوواره‌ی جدیدی از توسعه به شدت مورد استقبال قرار گرفته است که در آن برنامه‌ریزی محلی و بومی بر برنامه‌ریزی متمرکز غلبه دارد (Pritchett and Woolcock, 2004) به نقل از: (32: Eskandari sani, 2015). طوری‌که عمل و تئوری برنامه‌ریزی روز به روز توجه را به تمرکز بر روی درگیر کردن اجتماعات محلی در فرآیند برنامه‌ریزی با تعبیری همچون برنامه‌ریزی غیرمتمرکز، اندک‌افزا و از پایین به بالا افزایش داده است. گواه این ادعا، ازدیاد برنامه‌های مدیریت منابع محلی، سیاست‌های عدم تمرکز و دیدگاه‌های مشارکتی در برنامه‌ریزی، پیاده‌سازی و ارزیابی پروژه‌ها است (Mansuri and Rao, 2004) به نقل از (32: Eskandari sani, 2015). از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون، توجه عمده‌ی مدیریت شهری بر ظرفیت‌سازی محلی و تقویت نهادی - سازمانی برای مدیریت فرآیند توسعه‌ی شهری و در نهایت حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی و سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است (Friedman, 1993) به نقل از (48: Noorian et al, 2014). برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به بیان فریدمن (۱۹۹۲) با تأکید بر تقویت و اهمیت نقش سطوح محلی و حضور مردم، انجمن‌ها و نهادهای مدنی در عرصه‌ی تصمیم‌گیری، به تأکید بر نقش شهروندان و مشارکت و همکاری آنان در عرصه‌ی فعالیت‌ها و اقدامات روزمره و تدوین برنامه‌هایی که با نیازها و شرایط محلی و در سطح اجتماعات مناسب داشته باشد، می‌پردازد (Friedman, 1992: 48).

محله سرتپوله یکی از محلات مسکونی قدیمی و نیز یکی از محلات هسته اولیه شکل‌گیری شهر سنندج است که به دلیل دارا بودن تنوع اجتماعی و نیز دارا بودن برخی مشکلات در زمینه‌ی پایداری (جنبه منفی) از یکسو، و ارتباط مطلوب همسایگان با یکدیگر، احساس تعلق به محله، همگرایی اجتماعی قوی، شرکت در فعالیت‌های گروهی و... (جنبه مثبت) از سوی دیگر، جهت بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در امور مربوط به پایداری اجتماعی محله، انتخاب گردید. اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق به این دلیل است که، در برنامه‌ریزی محله محور، مشارکت اجتماعات محلی بسیار اهمیت دارد. در فرآیند برنامه‌ریزی، هرچه نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح کلان به سمت تفویض اختیارات و اعطای مسئولیت‌ها و وظایف بیشتری به سطوح محلی گام بردارد، از میزان تصدی‌گری خود کاسته است و بالعکس. رویکرد محله محوری، منبعث از نوشهرگرایی تلاش می‌کند با تقویت و بهبود فضای کالبدی محله، تعاملات اجتماعی را افزایش داده و از این مسیر به بهبود حس تعلق به مکان، خوداتکایی اقتصادی و ارتقا سرمایه اجتماعی نایل گردد. بنابراین، مطالعه‌ی جغرافیایی شهر با محوریت محلات شهری به عنوان کوچک‌ترین اجزا در نظام تقسیمات درون شهری، در راستای دستیابی به شیوه‌های اداره بهینه اجتماعات شهری، از ضروریات برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود؛ که می‌تواند نقش مهمی در افزایش پایداری شهری و به ویژه پایداری اجتماعات محلی (پایداری اجتماعی محله) داشته باشد. مهم‌ترین هدف این تحقیق، پی بردن به نقش مردم و مشارکت آنان در برنامه‌ریزی‌ها و همچنین شناسایی و دسته‌بندی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی محله سرتپوله سنندج است. در همین راستا سؤالی که مطرح شد این است که "عوامل مؤثر در مشارکت ساکنین در توسعه‌ی پایدار اجتماعی محله‌ی مورد مطالعه کدامند؟" و در جواب آن فرضیه‌ای با عنوان "مشارکت ساکنین در امور مربوط به توسعه‌ی پایدار اجتماعی، تابع وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنین محله مورد بررسی می‌باشد" طرح شده است.

چارچوب نظری تحقیق:

مشارکت: مشارکت در مفهوم لغوی به معنای قسمت، جزء و بخش گرفته شده است. این کلمه از ریشه لاتین *Participato* به معنای "با خود داشتن" در نفس خویش چیزی از غیر داشتن و "سهمی در چیزی از غیر خود داشتن" است. یعنی سهیم شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است (Aryanpoor, 1996). در تعریفی نسبتاً جامع از مشارکت آمده: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند، تعریف شده است (Toosi, 1992: 43). کایننگهام^۱ مشارکت را فرایندی تعریف می‌کند که در آن افراد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه، تمرین قدرت می‌کنند (Caves and Cullingworth, 2003: 28). منطق پشت افزایش مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی اجتماعی، به حداکثر رسیدن مشارکت مستقیم افرادی است که تحت تأثیر تصمیمات گرفته شده قرار می‌گیرند. بسیاری، مشارکت اجتماع محلی را وسیله‌ای برای توسعه نقش دموکراتیک در برنامه‌ریزی و توسعه محلی می‌دانند. مسائلی مثل این چه کسی مشارکت می‌کند، چه زمان مشارکت می‌کند و چگونه مشارکت می‌کند برای تصمیم‌گیری منصفانه، کارآمد و پایدار بسیار اهمیت دارد. باید به دقت به نکته‌نظرات نظرات مخالف گوش داد تا بهترین تصمیمات گرفته شوند (Becke and Damian, 2009: 106).

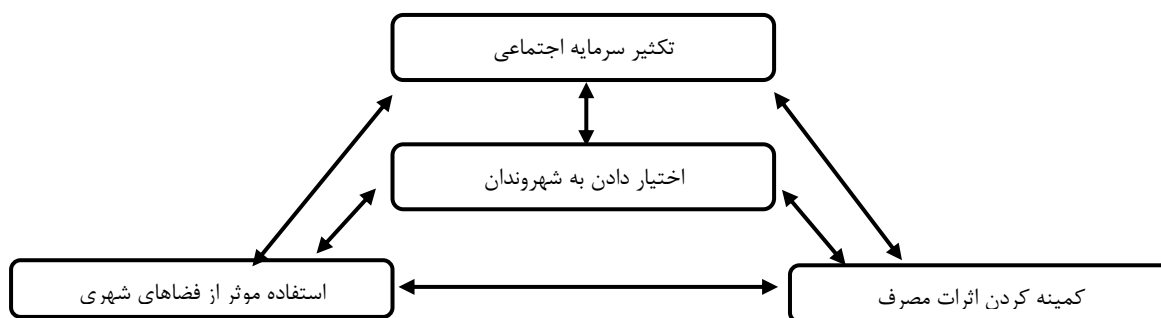
اجتماع محلی: پیش از تعریف «اجتماع محلی» بایستی خاطر نشان کرد که اجتماع مفهوم چند بعدی و پیچیده‌ای است که پژوهشگران و رشته‌های علمی مختلف برداشت‌های مختلفی از آن داشته‌اند؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که اجتماع، دلالت بر وجود روابط بین گروهی از مردم در مکان جغرافیایی خاص دارد. این روابط فراتر از روابط اتفاقی است، زیرا، اعضای گروه دارای برخی اهداف و ارزش‌های مشترک هستند و شاید شیوه زندگی که در آن اعضا حامی یکدیگرند به نوعی احساسات مثبت منجر شود که نتیجه آن درجه‌ای از تعهد متقابل و مسئولیت‌پذیری و تعلق‌پذیری میان اعضا است (Sarafati et al, 2015: 118). اجتماع محلی گروهی است که خود را دسته‌ای پایدار و قدرتمند می‌داند؛ بخصوص زمانی که دارای یک منطقه جغرافیایی مشترک داشته باشند. یک معیار اجتماع محلی، مشارکت منظم افراد در فعالیت‌های آن است. دیگری قدرت تشخیص افراد اجتماع محلی از لحاظ درک گروه اجتماعی و سومی فضا و مکان خاصی است که به طور مشترک، قلمرو گروه به حساب می‌آید. این فضا دارای شاخص‌های خاص خود است که اعضای جامعه نسبت به آن وابستگی عاطفی قوی‌ای دارند (Habibi, 2006: 2).

محله: در نوشتارهای جهانی تعاریف متعددی برای محله ارائه شده است. تعریف کلی محله به این صورت است که: محله مسکونی کوچک‌ترین ناحیه برای برنامه‌ریزی است که ساکنان آن دارای تسهیلات عمومی و نهادهای اجتماعی مشترک‌اند و در آن به صورت پیاده رفت و آمد می‌کنند (Davidson, 2007: 280). محله را می‌توان در ابعاد مختلف تعریف کرد. برای مثال، محله از نظر کالبدی با دیوار، راه یا مرزهای تعیین شده و مشخص، از نظر اجتماعی با ادراک ساکنان محلی، از نظر عملکردی با حوزه‌های خدماتی، از نظر محیطی با خصوصیات ترافیکی، کیفیت و امنیت، و از نظر زیبایی با داشتن ویژگی‌ها یا سن مشخص تعریف می‌شود (Cowan, 2005: 257).

توسعه پایدار محلی: توسعه‌ای که مسبب نابودی خود نشده و در مصرف منابع با عدالت بین نسلی همراه شود به توسعه پایدار مرسوم است. برابری در توزیع منافع اقتصادی، دسترسی مناسب به نیازهای اساسی انسانی، عدالت اجتماعی^۲ و حقوق بشر، درک الزامات محیط زیست اهداف با اهمیتی هستند که برای دستیابی به شهری پایدار، بایستی شود (Kline, 2005: 162). توسعه پایدار محلی بر پایه‌ی توسعه اجتماعات محلی بنا می‌شود و حل مشکلات از درون محله با ترکیب سرمایه‌های طبیعی، کالبدی، اجتماعی و انسانی مقدور خواهد شد و به بیانی توسعه پایدار محلی، رویکردی به اجتماعات محلی دارد و این عنصر بیشترین نقش را برای دستیابی به این مهم داراست (Kazemian et al, 2013: 3).

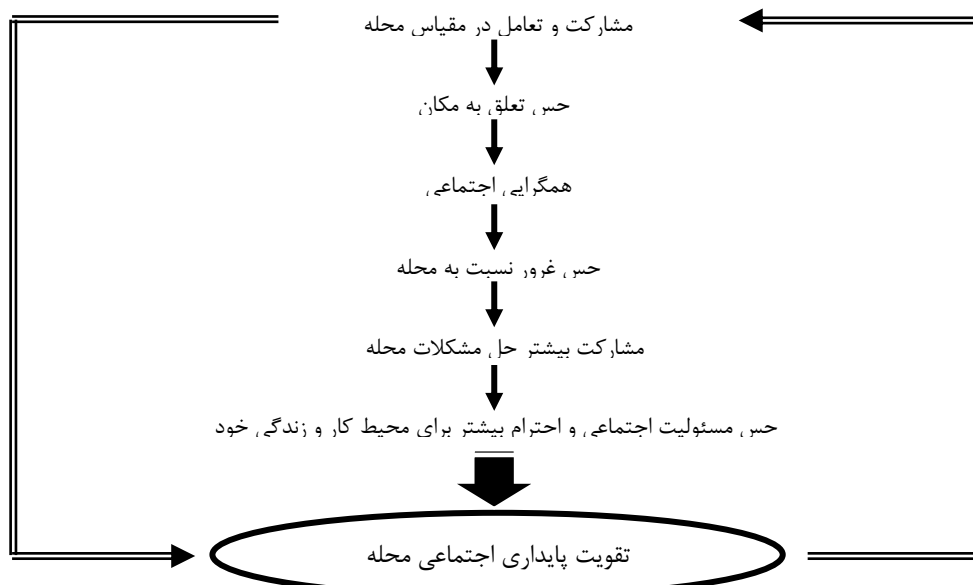
¹ Cunningham

² Social Justice



شکل ۱- چارچوبی برای توسعه پایدار محلی - منبع: (Roseland, 1997)

پایداری اجتماعی: یک تعریف قوی از پایداری اجتماعی باید بر پایه ارزش‌هایی از برابری و دموکراسی باشد؛ این بدین معناست که باید به لحاظ حقوقی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کیفیت جوامع تأثیر بگذارد (Sachs, 27: 1999). پایداری اجتماعی تحت عنوان زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. در این تعریف بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام‌های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین در سطح رضایت از زندگی است (GTZ, 2004: 2). در سطح عملیاتی، پایداری اجتماعی ناشی از اقداماتی در زمینه موضوعات کلیدی که شامل عرصه‌های اجتماعی افراد و جوامع برای ظرفیت‌سازی و توسعه مهارت‌ها برای رفع نابرابری‌های زیست محیطی و فضایی می‌شود. در این تعریف پایداری اجتماعی با اصولی همچون عدالت و سلامت، با مسائل در حال ظهور در مورد مشارکت، نیازها، سرمایه‌های اجتماعی، اقتصاد، محیط زیست و اخیراً با مفاهیمی مثل شادی، رفاه و کیفیت زندگی در ارتباط است (Colantonio and Dixon, 2009: 4). در صورتی پایداری اجتماعی به دست می‌آید که کار درون یک جامعه، مجموعه‌ای گسترده‌ای از نیازهای انسان را برآورده سازد و به صورت طبیعی شکل گرفته باشد و همچنین توانایی برآورده ساختن عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و مشارکت را داشته باشد (Litting and Griebel, 2005: 72). توسعه (و یا رشد) که با تحول یکنواخت جامعه‌ی مدنی و ترویج یک محیط مساعد برای زندگی مشترک گروه‌های متنوع قومی و اجتماعی سازگار است؛ در حالی که همزمان همهٔ اقشار جامعه را به یکپارچگی اجتماعی، با بهبود کیفیت زندگی تشویق می‌کند (Polese and Stren, 2000: 15 - 16). در بیشتر سطوح عملیاتی پایداری اجتماعی ناشی از اقداماتی در زمینه موضوعات کلیدی شامل قلمرو اجتماعی افراد و جوامع اعم از ظرفیت‌سازی، مهارت‌های توسعه و نابرابری‌های زیست محیطی و اجتماعی می‌باشد. گروهی معتقدند که پایداری اجتماعی دربرگیرنده‌ی برابری، تأمین خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت، برابری جنسیتی، پاسخگویی سیاسی و مشارکت اجتماعی است (Harris, 2000: 6).



شکل ۲- اهمیت مشارکت در توسعه پایدار اجتماعی محله (مدل مفهومی تحقیق) - منبع: جمع‌بندی از مطالب نگارندگان

طرح جامع شهری برای نخستین بار برای شهر آمستردام در سال ۱۹۳۴ تهیه گردید. از اوایل دهه‌ی ۱۹۴۰ در اروپا نظرخواهی از مردم برای تهیه طرح‌های جامع شهری معمول شد. از اواخر دهه ۱۹۵۰، مفهوم مشارکت و توسعه‌ی مشارکتی به منزله‌ی مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی مطرح شد. در دهه ۱۹۶۰ به موازات عدم تحقق طرح‌های جامع شهری در اروپا و امریکا نقدهای عمده‌ای از سوی افرادی چون دیویدوف، لیندبلوم^۲ و اتریونی^۳ بر طرح‌های جامع وارد شده و آنان مسئولیت شکست نسبی و دلیل عدم تحقق این طرح‌ها را از یک سو به شیوه‌ی تهیه طرح‌ها (که به صورت جامع و کلی نگریسته می‌شده) و از سوی دیگر به عدم دخالت مردم و توجه به نیازهای مردمی می‌دانستند. در دهه ۱۹۷۰ با رکود اقتصادی و بحران انرژی در جهان، نخستین هدف توسعه "انسان محور"، دستیابی به نیازهای اساسی انسانی بود که اهمیت مشارکت مردمی را در همه سطوح، از تصمیم‌گیری در تعیین اهداف و تعیین نیازها گرفته تا اجرا، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها را گوشزد می‌نمود. آخرین دهه قرن بیستم نیز دهه "توسعه انسانی" نامیده شد. آخرین نظریات در مورد مشارکت تاکید دارد که دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کنند. (Yavar, 2003: 13).

از نظر تاریخی می‌توان آغاز الگوهای مشارکتی جدید اداره امور شهرها در ایران را انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۷ خورشیدی در نظر گرفت. در واقع تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب قانون اساسی و متمم آن خود نخستین تجربه‌های مشارکتی به شمار می‌روند. موضوعی که با توجه به خودکامگی همیشگی نظام سیاسی ایران، نو و بی‌سابقه است. پس از تشکیل شورای ملی، نخستین گام برای تحقق مشارکت مردمی در اداره امور شهرها با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۲۸۶ برداشته شد. ایجاد این انجمن‌ها در اصل به عنوان پاسخ به نگرش مردم سالاری به درخواست بانیان مشروطه بود. بر این اساس بود که در اصول ۲۹، ۹۰ تا ۹۳ (متمم قانون اساسی مشروطه) ایجاد این انجمن‌ها را پیش‌بینی می‌کرد. با به قدرت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۴، دگرگونی‌های بسیاری در ساختار جامعه‌ی ایران بوجود آمد. در سال ۱۳۰۹ به منظور شرکت دادن مردم در امور شهرها به ترتیب قانون بلدیه و آئین‌نامه مربوطه تصویب شد. پس از سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰، آغاز دوران جدیدی در تاریخ ایران بود. در ۴ مرداد ۱۳۲۸، قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر و قصابات به تصویب مجلس و قوانین گذشته را ملغی کرد. لایحه‌ی قانونی شهرداری سه سال بعد در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ تصویب شد. قانون جدید شهرداری در سال ۱۳۳۴ به تصویب کمیسیون مشترک مجالس سنا و شورای ملی رسید. اما بار دیگر در سال ۱۳۴۵، با تغییراتی که در قانون شهرداری‌ها داده شده از اختیارات وزارت کشور به عنوان تنها نهاد صالح برای انحلال انجمن‌های شهر کاسته و انتخاب شهردار نیز بر عهده انجمن شهر گذارده شد. اما بعد از انقلاب تلاش برای افزایش مشارکت و دخالت مردم در اداره امور شهرها صورت گرفت. در قانون اساسی اصول سوم، هفتم، صدم، یکصدویکم، یکصدوسوم، یکصدوپنجم و یکصدوششم درباره‌ی شوراها بحث کرده است. مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون تشکیلات شوراهای اسلامی در آذر ماه ۱۳۶۱ موافقت کرد و در سال ۱۳۷۵ اصلاحاتی در آن صورت گرفت. (Ghafari and Jamshidzadeh, 2012: 62-70).

روش تحقیق:

روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی بوده، و نوع آن کاربردی است. ابتدا با استفاده از روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی، منابع موجود در این زمینه جمع‌آوری گردید، سپس چارچوب نظری پژوهش تهیه شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده است و از ۳۰۸ خانوار موجود در محله، ۵۰ سرپرست خانوار با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۳ درصد برای پرسشگری انتخاب شدند. (جامعه آماری محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۹۰،

¹ Davidoff

² Lindblom

³ Etzioni

برابر با ۱۰۲۰ نفر و ۳۰۸ خانوار بوده است) (Statistical Center of Iran, 2012). در نهایت نتایج حاصله از طریق نرم افزار SPSS از جمله آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل مسیر و آزمون تحلیل عاملی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه از آزمون دودویی از طریق ضریب همبستگی اسپرمن استفاده شد. همچنین پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ بدست آمد.

جدول ۱- روایی و پایایی پرسشنامه

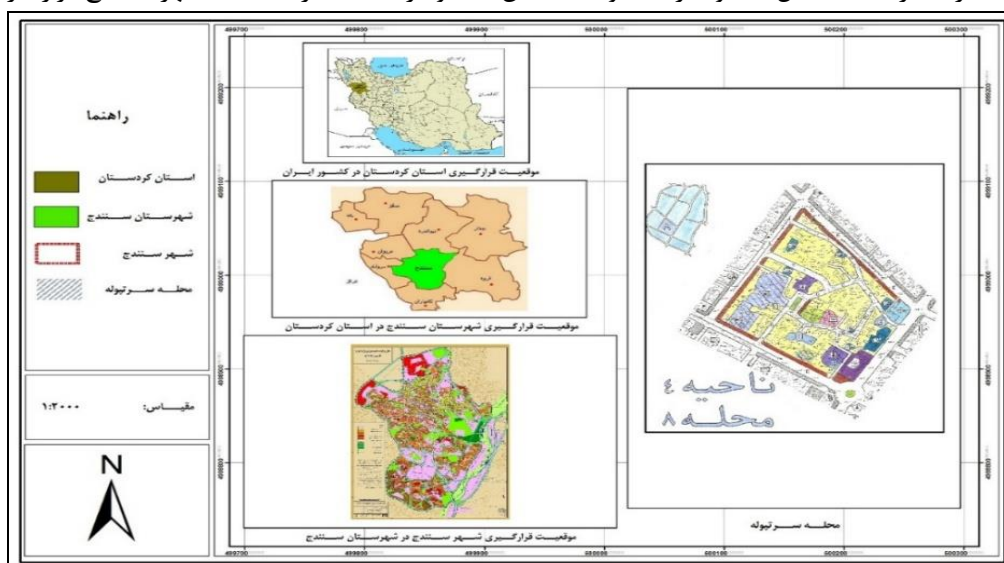
ردیف	ابعاد	تعداد گویه	Cronbach's Alpha	کل
۱	عوامل موثر در مشارکت پذیری پاسخگویان	۱۲	۰,۹۹۰	۰,۹۹۳
		۱۰	۰,۹۸۸	
		۱۰	۰,۹۶۸	
۲	ویژگی‌های محله سکونت پاسخگویان	۹	۰,۹۷۱	۰,۹۸۹
		۱۱	۰,۹۶۸	
		۱۰	۰,۹۷۱	

منبع: (محاسبه‌ی نگارندگان)، ۱۳۹۵.

برای سنجش روایی (اعتبار)، با استفاده از روایی صوری، نظرات افراد مرتبط بررسی و جمع‌بندی گردید. به این منظور، پرسشنامه به تأیید اساتید و افراد آگاه در این زمینه رسید.

قلمرو پژوهش:

محله‌ی سرتپوله در مرکز بافت قدیم شهر واقع شده است و از شمال به محله جورآباد بالا و پایین، از جنوب به مرکز شهر و محور تجاری خیابان امام خمینی، از شرق به خیابان طالقانی و محله چهار باغ و از غرب به قلعه چوارلان و محور تجاری خیابان امام خمینی و مسجد جامع سنندج محدود شده است. محور اصلی محله را راسته بازار آن تشکیل می‌دهد که دارای نقش فرامحله‌ای است. ارتباطات محله با سایر نقاط شهر از طریق خیابان‌های امام خمینی، طالقانی و شهدا صورت می‌گیرد که این خیابان‌ها در ارتباط با گذرهای اصلی از نظر دسترسی درون محله‌ای دارای دو محور اصلی هستند که یکی گذر و راسته بازار سرتپوله است و دیگری گذر شمالی جنوبی است که محور اولی را قطع می‌کند. مرکز محله به صورت خطی در امتداد گذر اصلی از مسجد هاجر خاتون تا خیابان شهدا امتداد دارد. با تطبیق محدوده محلات قدیم و سنتی شهر سنندج با نقشه تقسیمات رسمی شهر سنندج و نواحی و محلات آنها، محله سرتپوله با مساحتی بالغ بر ۱۳۷۹۸۳ متر مربع، ۱۳,۵ درصد از مساحت کل محدوده را به خود اختصاص داده و در ناحیه ۴ از منطقه ۱ شهر سنندج قرار دارد.



شکل ۳- موقعیت جغرافیایی محله سرتپوله

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

با توجه به جدول شماره ۲، سرپرستان خانوار با بیش از ۶۵ سال، بیشترین درصد، و افراد ۲۵ - ۳۵ سال، کمترین پرسش‌شونده را شامل می‌شوند. همچنین ۸۰ درصد پرسش‌شوندگان مرد و ۲۰ درصد نیز زن بودند (البته لازم به یادآوری است که پرسش‌نامه‌های تحقیق حاضر، از سرپرستان خانوارها تکمیل شده است. از این رو این عدم تناسب جنسیت پاسخگویان طبیعی است). ۸۲ درصد افراد پرسش‌شونده تحصیلات زیر دیپلم دارند و تنها ۱۴ درصد افراد پرسش‌شونده دارای تحصیلات آکادمیک هستند. همچنین مردان ۸۰ درصد سرپرستان خانوار و زنان نیز ۲۰ درصد را شامل می‌شوند. نوع مالکیت مسکن بدین گونه است که ۴۶ درصد شخصی و ۵۴ درصد نیز اجاره‌ای هستند. حدود ۶۰ درصد افراد پرسش‌شونده مدت اقامت خود را کمتر از ۳۰ سال ذکر نموده‌اند، و ۴۰ درصد افراد نیز بیش از ۳۰ سال در محله زندگی کرده‌اند. همچنین ساختمان‌های موجود در محله بیش از ۳۰ سال طول عمر دارند (حدود ۶۰ درصد) و مابقی ساختمان‌ها تقریباً نو و تازه ساخت هستند. ۳۲ درصد افراد پرسش‌شونده در محله دیگر، ۲۴ درصد در همین محله، ۲۶ درصد در شهر دیگر و ۱۸ درصد افراد پرسش‌شونده نیز در روستا بوده‌اند (محل اقامت پیشین افراد پرسش‌شونده).

جدول ۲- مشخصات پرسش‌شوندگان

ردیف	ویژگی	شرح				
۱	سن	۲۵ - ۳۵	۳۶ - ۴۵	۴۶ - ۵۵	۵۶ - ۶۵	۶۵ +
	درصد فراوانی	٪ ۱۲	٪ ۲۰	٪ ۲۲	٪ ۱۶	٪ ۳۰
۲	جنس	مرد				
	درصد فراوانی	٪ ۸۰				
۳	تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمائی	دیپلم	فوق دیپلم
	درصد فراوانی	٪ ۲۶	٪ ۲۰	٪ ۱۶	٪ ۲۰	٪ ۴
۴	سرپرست خانوار	پدر				
	درصد فراوانی	٪ ۸۰				
۵	مدت اقامت در محله	۱ - ۱۰ سال	۱۱ - ۲۰ سال	۲۱ - ۳۰ سال	۳۱ - ۴۰ سال	۴۱ - ۵۰ سال
	درصد فراوانی	٪ ۴۶	٪ ۱۰	٪ ۲	٪ ۱۲	٪ ۶
۶	محل اقامت پیشین	محله دیگر	همین محله	شهر دیگر		
	درصد فراوانی	٪ ۳۲	٪ ۲۴	٪ ۲۶		
		روستا				
		٪ ۱۸				

منبع: تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه ۱۳۹۵.

یافته‌های استنباطی و تحلیلی پرسشنامه:

تحلیل عاملی: تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌ها می‌باشد. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آنها را در قالب عامل‌های کلی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند. تحلیل عاملی روشی هم‌وابسته بوده که در آن کلیه متغیرها به طور هم‌زمان مدنظر قرار می‌گیرند. برای انجام تحلیل عاملی دو پیش‌نیاز لازم است ۱. روش *KMO* (مقدار ضریب *KMO* همواره بین «۰» و «۱» در نوسان است؛ در صورتی که *KMO* کمتر از ۰,۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰,۵ و ۰,۶ باشد، داده‌ها متوسط بوده و اگر مقدار این شاخص، بزرگتر از ۰,۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود) ۲. روش بارتلت (*Bartlett's*) (آزمون بارتلت، این فرضیه را که ماتریس همبستگی مشاهده شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای وابسته است، می‌آزماید) (*Rajabzadeh ghatari et al*, ۲۰۱۵: ۲۴۷ - ۲۵۰). با توجه به جدول شماره ۳؛ شاخص *KMO* برای پایداری اجتماعی «۰,۹۰۲» است و چون مقدار آن نزدیک به «۱» است، تعداد نمونه برای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. در ادامه، نتیجه‌ی آزمون بارتلت که تقریبی از آماره کای دو است، نشان داده شده است. چون مقدار «*Sig.*» آزمون بارتلت، کوچک‌تر از (۰,۰۵) است یعنی (۰,۰۰۰)، که نشان

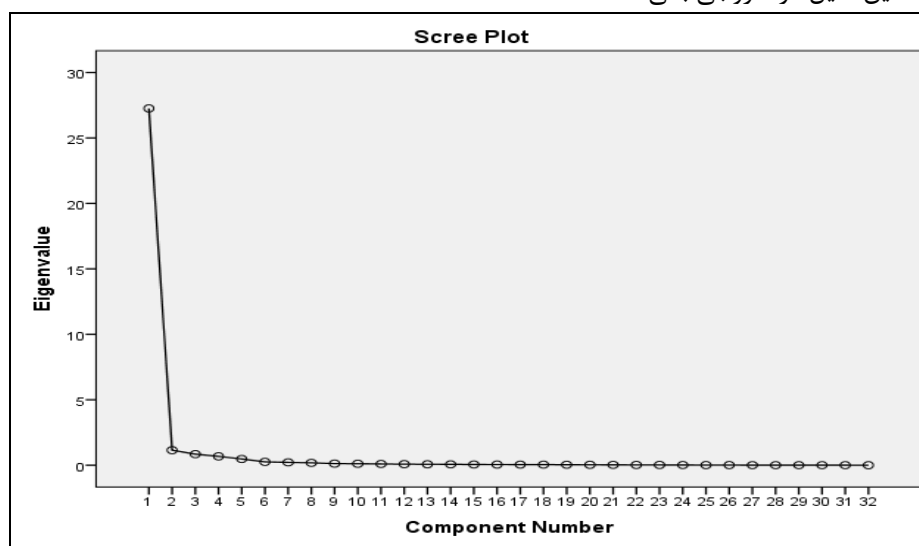
می‌دهد، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است، و فرض شناخته شدن ماتریس همبستگی رد می‌شود.

جدول ۳: شاخص *KMO* و آزمون بارتلت برای کفایت شاخص‌های مربوط به پایداری اجتماعی

<i>Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.</i>		۰,۹۰۲
<i>Bartlett's Test of Sphericity</i>	<i>Approx. Chi-Square</i>	۰۹۹,۵۷۳
	<i>df</i>	۴۹۶
	<i>Sig.</i>	۰,۰۰۰

منبع: محاسبه‌ی نگارندگان، ۱۳۹۵.

- خروجی زیر (شکل شماره ۴)، نمودار *Scree* است که برای متغیرها محاسبه شده است. این نمودار، تصویر گرافیکی «مقدار ویژه» در هر یک از عامل‌های استخراج شده است. مقدار واریانس توجیه شده (مقدار ویژه)، با استخراج عامل‌های بعد از عامل ششم، افت می‌کند. مقادیر ویژه عامل‌های اول تا پنجم بیشتر از «۳,۰» است که به صورت پیش‌فرض تعریف شده است، به همین دلیل در خروجی باقی مانده‌اند.



شکل ۴- تصویر گرافیکی مقدار ویژه هر یک از عامل‌های استخراج شده- (ترسیم شده توسط نگارندگان)

- و در انتها، خروجی زیر (جدول شماره ۴)، ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا را که شامل بارهای عاملی هر یک از متغیرها را در ۵ عامل باقی مانده پس از چرخش می‌باشد را نشان می‌دهد. هر چقدر مقدار قدرمطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل تغییرات (واریانس) متغیر مورد نظر دارد. بنابراین، کل شاخص‌های مرتبط با پایداری اجتماعی محله، به چهار دسته تقسیم شده است، که جمعا ۳۲ گویه را شامل می‌شود. که هر کدام از این شاخص‌ها، دارای ارزش عددی متفاوتی هستند. در این تقسیم‌بندی، در **گروه اول**، ۱۴ گویه قرار دارند از جمله: عدم تمایل به ترک محله (۰,۷۷۰)؛ دوست داشتن همسایگان (۰,۷۳۷)؛ شرکت در مراسم سوگواری (۰,۷۳۰)؛ شرکت در مراسم دینی و آیینی (۰,۷۲۶)؛ برقراری رابطه اجتماعی خوب با همسایگان (۰,۷۲۵)؛ اعتماد به همسایگان (۰,۷۲۲)؛ همگرایی قوی همسایگان در حل مشکلات محله (۰,۷۰۰)؛ رضایت از زندگی در این محله (سرپوله) (۰,۶۸۳)؛ وجود رابطه همسایگی بسیار قوی در این محله (۰,۶۶۳)؛ شرکت در فعالیت‌های گروهی همچون کمک به نیازمندان (۰,۶۵۲)؛ شرکت در مراسم شادی و میهمانی همدیگر (۰,۶۳۳)؛ اعتماد به همسایگان در مراقبت از فرزندان (۰,۵۹۲)؛ آمادگی مشارکت با شهرداری در ارتباط با برنامه‌های توسعه‌ی محله (۰,۵۶۳) و در **گروه دوم**، ۱۰ گویه قرار دارند، از جمله: مشارکت ساکنین در برنامه‌هایی که منجر به همدلی و همگرایی بیشتر در محله می‌شود (۰,۸۱۱)؛ مشارکت ساکنین در برنامه‌هایی که منجر به خلاقیت

بیشتر در محله می‌شود (۰,۸۰۱)؛ مشارکت ساکنین در برنامه‌هایی که سبب بالا رفتن حس تعلق نسبت به محله می‌شود (۰,۷۷۲)؛ علاقه به محله (۰,۶۲۸)؛ حس تعلق به محله (۰,۶۲۱)؛ سپردن کلید منزل به همسایه در هنگام سفر (نشان از بودن اعتماد بین همسایگان دارد) (۰,۶۰۳) و... در **گروه سوم**، ۶ گویه قرار دارند، از جمله: برای مشارکت، لازم است که شهرداری منافع ساکنین را مد نظر قرار دهد (۰,۸۴۹)؛ مشارکت باید بر اساس شناخت از دانش محلی، نیازها و انتظارات صورت بگیرد (۰,۸۴۴)؛ بی‌اعتمادی به مدیریت شهری مانع از مشارکت ساکنین در برنامه‌های توسعه‌ی محله می‌باشد (۰,۷۷۶) و... و در نهایت در **گروه چهارم**، ۲ گویه قرار دارند، از جمله اینکه: مشارکت ساکنین در برنامه‌های توسعه محله به مدیریت بهتر محله کمک می‌کند (۰,۷۴۷) و مشارکت ساکنین در برنامه‌های توسعه محله، منجر به زندگی بهتر در محله می‌گردد (۰,۶۴۳). "و در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که، گروه‌ها (گروه‌های چهارگانه) بر اساس تأثیراتی که بر مبنای تأثیرات بیشتر و کمتر می‌گذارند، دسته‌بندی شده‌اند، بدین صورت که گروه اول، بیشترین تأثیر را بر پایداری اجتماعی محله دارد، و گروه چهارم، کمترین تأثیر را دارد."

جدول ۴- ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا

گویه‌ها	Component				
	۱	۲	۳	۴	۵
هیچ تمایلی به ترک این محله ندارم	۰,۷۷۰	۰,۴۰۷	۰,۳۶۷	۰,۲۵۶	۰,۱۱۶
همسایه‌ها را دوست دارم	۰,۷۳۷	۰,۴۲۳	۰,۳۵۳	۰,۲۹۴	۰,۱۰۴
آیا در برگزاری مراسم سوگواری همسایگان خود شرکت کرده‌اید؟	۰,۷۳۰	۰,۳۷۶	۰,۳۹۴	۰,۳۵۱	۰,۰۱۷
آیا تاکنون در مراسم دینی و آیینی محله شرکت داشته‌اید؟	۰,۷۲۶	۰,۳۹۰	۰,۴۳۱	۰,۳۰۱	۰,۰۲۰
با همسایه‌ها رابطه اجتماعی خوبی دارم	۰,۷۲۵	۰,۴۰۳	۰,۴۰۲	۰,۳۱۵	۰,۱۵۶
به همسایه‌ها اعتماد دارم	۰,۷۲۲	۰,۴۱۶	۰,۳۱۵	۰,۳۶۸	۰,۰۸۳
همگرایی همسایه‌ها در حل مشکلات محله قوی است	۰,۷۰۰	۰,۴۷۷	۰,۲۹۳	۰,۳۵۳	-۰,۱۹۵
از زندگی در این محله راضی هستم	۰,۶۸۳	۰,۳۵۱	۰,۵۴۲	۰,۱۶۱	-۰,۱۴۲
در این محله روابط همسایگی بسیار قوی است	۰,۶۶۳	۰,۵۱۱	۰,۲۲۵	۰,۴۱۴	-۰,۱۶۹
آیا در فعالیت‌های گروهی (همچون کمک به نیازمندان) در محله شرکت می‌کنید؟	۰,۶۵۲	۰,۴۳۹	۰,۳۹۹	۰,۳۷۲	۰,۲۰۱
آیا در برگزاری مراسم شادی و میهمانی همسایه‌های خود شرکت کرده‌اید؟	۰,۶۳۳	۰,۴۴۷	۰,۴۸۹	۰,۲۹۴	-۰,۰۶۹
به همسایه‌ها در مراقبت از فرزندانم اعتماد دارم	۰,۵۹۲	۰,۵۶۳	۰,۴۳۱	۰,۳۰۰	-۰,۱۲۵
میزان آمادگی شما در مشارکت با شهرداری در ارتباط با برنامه‌های توسعه محله	۰,۵۶۳	۰,۴۸۳	۰,۵۳۳	۰,۲۹۳	۰,۲۱۰
تمایل شما به شرکت در جلسه یا فعالیت‌های مربوط به محله چگونه است؟	۰,۵۵۳	۰,۴۹۰	۰,۵۲۴	۰,۳۲۲	۰,۱۸۷
مشارکت ساکنین در برنامه‌های محله منجر به همگرایی و همدلی بیشتر شود	۰,۳۵۱	۰,۸۱۱	۰,۳۰۱	۰,۲۹۵	۰,۰۳۰
مشارکت در برنامه‌های محله سبب خلاقیت ساکنین در توسعه محله می‌شود	۰,۳۹۴	۰,۸۰۱	۰,۳۰۱	۰,۲۴۱	۰,۰۹۶
مشارکت ساکنین در برنامه‌های توسعه محله سبب بالا رفتن حس تعلق می‌گردد	۰,۴۱۲	۰,۷۷۲	۰,۳۴۲	۰,۲۵۸	۰,۰۹۷
مشارکت ساکنین در محله سبب حس قلمرو و احساس مسئولیت می‌گردد	۰,۵۴۷	۰,۶۷۵	۰,۳۳۶	۰,۱۴۹	۰,۱۱۸
به این محله علاقه دارم	۰,۵۵۳	۰,۶۲۸	۰,۴۵۶	۰,۲۰۶	-۰,۰۵۶
به این محله حس تعلق دارم	۰,۵۰۲	۰,۶۲۱	۰,۵۰۱	۰,۳۲۷	-۰,۰۴۲
در هنگام سفر کلید منزل را به همسایه‌ام می‌سپارم	۰,۵۸۶	۰,۶۰۳	۰,۴۲۵	۰,۲۴۵	-۰,۱۰۴
مشارکت به موفقیت برنامه‌های توسعه محله کمک می‌کند	۰,۳۲۶	۰,۵۹۹	۰,۲۵۵	۰,۵۹۰	-۰,۲۳۲
آیا تاکنون در صندوق قرض الحسنه محله عضویت داشته‌اید؟	۰,۴۲۴	۰,۵۹۴	۰,۵۷۲	۰,۳۱۰	-۰,۰۷۸
اهالی محل و همسایگان خود را می‌شناسم	۰,۵۱۲	۰,۵۹۲	۰,۵۰۵	۰,۲۷۵	۰,۰۲۵
برای مشارکت لازم است که شهرداری ساکنین را ذینفع بداند	۰,۳۰۸	۰,۳۹۴	۰,۸۴۹	۰,۱۷۷	-۰,۰۵۱
مشارکت باید بر اساس شناخت از دانش محلی، نیازها و انتظارات صورت گیرد	۰,۳۲۴	۰,۳۹۳	۰,۸۴۴	۰,۲۲۹	-۰,۰۱۳
بی‌اعتمادی به مدیریت شهری مانع از مشارکت در برنامه‌های توسعه محله می‌باشد	۰,۳۴۹	۰,۳۱۴	۰,۷۷۶	۰,۳۰۷	۰,۰۸۵
در تصمیم‌گیری‌های مدیریت محله مشارکت دارم	۰,۳۸۹	۰,۳۸۷	۰,۵۸۸	۰,۴۷۵	۰,۳۰۷
میزان مشارکت شما با نهادهای مردمی (مانند شورایی، و...) محله چگونه است؟	۰,۴۲۱	۰,۵۷۸	۰,۵۸۰	۰,۳۴۲	۰,۰۶۰
در انتخاب شورایی محله‌ی خود شرکت می‌کنم	۰,۳۸۸	۰,۴۶۶	۰,۵۷۸	۰,۵۰۱	۰,۰۴۴
مشارکت ساکنین در برنامه توسعه محله به مدیریت بهتر محله کمک می‌کند	۰,۴۰۰	۰,۳۳۱	۰,۳۲۴	۰,۷۴۷	۰,۰۰۰
مشارکت ساکنین در برنامه توسعه محله منجر به زندگی بهتر در محله می‌گردد	۰,۴۶۳	۰,۱۹۹	۰,۴۹۸	۰,۶۴۳	۰,۱۶۹

منبع: محاسبه نگارندگان، ۱۳۹۵.

- سنجش ارتباط بین سطح حس تعلق و میزان مشارکت در بعد اجتماعی پایداری محله:

با توجه به جدول شماره ۵؛ از آنجایی که شدت همبستگی بین حس تعلق به محله و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله، بیشتر از «۰,۵» است یعنی «۰,۷۷۹» و همچنین سطح معناداری (*Sig.*) آن کمتر از «۰,۰۵» است یعنی «۰,۰۰۰»، بنابراین ارتباط معناداری وجود دارد، بدین صورت که حس تعلق سبب افزایش مشارکت در پایداری اجتماعی محله می‌شود.

جدول ۵- همبستگی بین حس تعلق به محله و میزان مشارکت در بعد پایداری اجتماعی محله

نوع آزمون	شدت همبستگی	سطح معناداری (<i>Sig.</i>)
پیرسون	۰,۷۷۹	۰,۰۰۰

منبع: محاسبه نگارندگان، ۱۳۹۵.

سنجش ارتباط بین مدت اقامت در محله و میزان مشارکت در بعد پایداری اجتماعی محله:

مطابق جدول شماره ۶؛ ضریب همبستگی بین مدت اقامت محله و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله در سطح معناداری (۰,۰۰۰) و شدت همبستگی (۰,۹۰۳) که بیشتر از ۰,۵ است. این بدان معناست که رابطه معناداری بین مدت اقامت محله و میزان مشارکت وجود دارد. یعنی با افزایش مدت اقامت در محله، میزان مشارکت نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۶- همبستگی بین مدت اقامت در محله و میزان تمایل مشارکت در بعد پایداری اجتماعی محله

نوع آزمون	شدت همبستگی	سطح معناداری (<i>Sig.</i>)
پیرسون	۰,۹۰۳	۰,۰۰۰

منبع: محاسبه نگارنده، ۱۳۹۵.

آزمون تحلیل مسیر:

تحلیل مسیر برای تبیین دقیق تر روابط علی متغیرها، به تجزیه همبستگی بین متغیرها می‌پردازد. از طریق این تجزیه، اثرات مستقیم و غیرمستقیم یک متغیر، بر متغیر دیگر مشخص می‌گردد. آنچه که ضرایب همبستگی نشان می‌دهند، اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهاست و مقدار تأثیرگذاری عوامل آن همواره از «۱-» تا «۱+» در نوسان است. به عبارت دیگر رابطه زیر همواره برقرار است: «اثرات غیرمستقیم + اثرات مستقیم = همبستگی». نکته: در تحلیل مسیر، فلش‌ها، مشخص کننده تأثیرات علی از متغیرهای مستقل به سمت متغیرهای وابسته میانی (رضایت از محله) و نهایی (پایداری اجتماعی محله) می‌باشند.

با توجه به طی مراحل مختلف تحلیل مسیر، باید در قالب جدولی، نتیجه‌ی مربوط به انواع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (پایداری اجتماعی) را نشان داد؛ که این مهم به صورت جدول شماره ۷ نشان داده شده است.

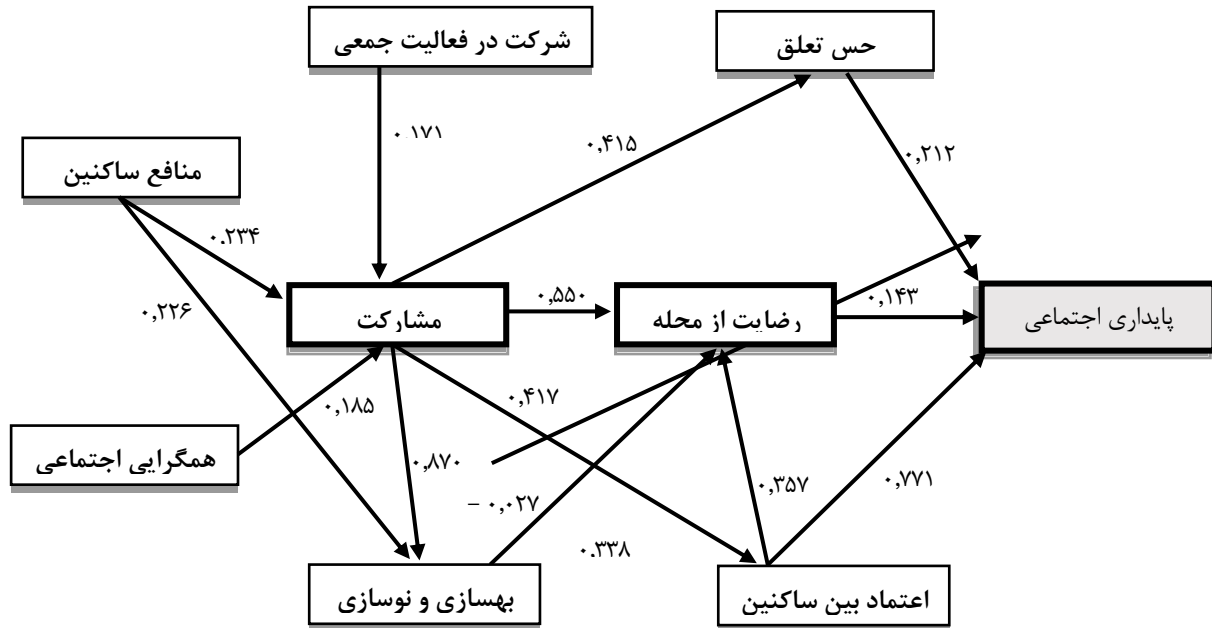
جدول ۷- ضرایب مسیر (تأثیر رگرسیونی) مستقیم، غیرمستقیم و کل

تأثیر کل	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	-----
- ۰,۱۴۳	-	- ۰,۱۴۳	رضایت از محله
۰,۴۳۷	۰,۰۷۸	- ۰,۵۱۶	مشارکت
۰,۲۴۴	۰,۰۳۲	۰,۲۱۲	حس تعلق
۰,۰۴۷	۰,۰۱۳	۰,۰۳۴	شرکت در فعالیت جمعی
۰,۲۰۰	۰,۲۰۰	-	منافع ساکنین
- ۰,۰۷۳	۰,۰۰۵	- ۰,۰۷۸	همگرایی اجتماعی
۰,۳۴۷	۰,۰۰۹	۰,۳۳۸	بهسازی و نوسازی
۰,۷۱۹	- ۰,۰۵۱	۰,۷۷۱	اعتماد بین ساکنین

منبع: محاسبه نگارنده، ۱۳۹۵.

مدل نظری و مفهومی نهایی عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی محله:

با توجه به شکل شماره ۵، شاخص‌های حس تعلق به محله با ارزش عددی (۰,۲۱۲)، اعتماد بین ساکنین محله با (۰,۷۷۱)، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده‌ی محله با (۰,۳۳۸) و رضایت از محله با (۰,۱۴۳)؛ دارای ارتباط مستقیم با پایداری اجتماعی محله هستند. همچنین شاخص‌های شرکت در فعالیت جمعی با ارزش عددی (۰,۱۷۱)، منافع ساکنین محله با (۰,۲۳۴)، همگرایی اجتماعی ساکنان با (۰,۱۸۵)، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده‌ی شهری با (۰,۰۲۷)؛ اعتماد بین ساکنین محله با (۰,۳۵۷) و مشارکت ساکنان با (۰,۵۵۰)؛ دارای ارتباط غیرمستقیم با پایداری اجتماعی محله هستند.



شکل شماره ۵- مدل نظری و مفهومی عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی محله - منبع: ترسیم و محاسبه توسط نگارندگان، ۱۳۹۵.

تأیید یا رد فرضیه:

در این پژوهش برای تأیید یا رد فرضیه، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. جدول شماره ۸ همبستگی دو به دوی متغیرهای مربوط به تحقیق را نشان می‌دهد. قبل از توضیح طبیعی ارتباط بین متغیرها، اندک توضیحی در مورد جدول و اعداد موجود در آن ضروری به نظر می‌رسد. در کل، ارتباط بین دو متغیر به زبان همبستگی می‌تواند از «۱- تا ۱+» متغیر باشد؛ بدین معنا که هر چه این اعداد از صفر فاصله گرفته و به «۱+» نزدیکتر شود، رابطه بیشتر و معنادارتر خواهد بود. معنی‌داری این آزمون نیز دقیقاً نظیر آزمون‌های قبلی است، بدین صورت که، معنی‌دار بودن یک رابطه مستلزم این است که سطح معناداری یا «Sig.» کمتر از «۰,۰۵» باشد. خود نرم‌افزار SPSS رابطه‌های معنی‌دار را با علامت «**» (معنی‌داری در سطح ۰,۰۱) و «***» (معنی‌داری در سطح ۰,۰۰۱) نشان می‌دهد.

حال با این توضیحات به تفسیر نتایج ناشی از همبستگی متغیرهای تحقیق حاضر پرداخته می‌شود. نگاهی هر چند مختصر به ضرایب همبستگی، میزان ارتباط متغیرهای اساسی تحقیق را نشان می‌دهد؛ ولیکن آنچه که در اینجا قصد بررسی آن را داریم، ارتباط تک‌تک متغیرهای مستقل و مخصوصاً گرایش به مشارکت با هدف دستیابی به پایداری اجتماعی محله است. مطابق آخرین ستون جدول شماره ۸، رابطه نوع شغل با عوامل دیگر همچون (وضعیت مسکن و عضویت در صندوق قرض‌الحسنه محله) در بخش وضعیت اقتصادی، با توجه به اینکه ضریب همبستگی (شدت همبستگی) آنها بیشتر از «۰,۵» است (۰,۸۳۹ و ۰,۸۹۰) و سطح معناداری آنها یا (Sig.) کمتر از «۰,۰۵» است

(۰,۰۰۰)؛ بنابراین تأثیر وضعیت اقتصادی در پایداری اجتماعی محله مشخص می‌شود. در ستون مربوط به وضعیت اجتماعی نیز به همین شکل؛ چون که ضریب همبستگی بین عوامل اجتماعی یعنی (تحصیلات، حس تعلق، اعتماد به همسایگان و همگرایی اجتماعی) بیشتر از «۰,۵» است و سطح معناداری (*Sig.*) آنها نیز کمتر از «۰,۰۵» است (۰,۰۰۰)؛ بنابراین تأثیر وضعیت اجتماعی بر پایداری اجتماعی محله نیز مشخص می‌شود. و در ستون مربوط به وضعیت فرهنگی، ضریب همبستگی دو عامل (محل تولد و کمک به نیازمندان محله «که یک امر فرهنگی - اجتماعی محسوب می‌شود») یا عوامل دیگر وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی نیز بیشتر از «۰,۵» است و سطح معناداری یا (*Sig.*) آنها کمتر از «۰,۰۵» است (۰,۰۰۰)؛ بنابراین تأثیر وضعیت فرهنگی، بر پایداری اجتماعی محله نیز کاملاً مشخص می‌شود.

با توجه به تفسیر جدول شماره ۸، فرضیه ما تأیید می‌شود، بدین صورت که، میزان مشارکت و نقش آن در پایداری اجتماعی محله، تابع وضعیت «اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی» ساکنین محله است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

به دنبال تغییر در شرایط و عوامل مختلف بر گسترش و توسعه‌ی شهری در دوران اخیر، محله‌های مسکونی انسان‌ساخت جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری شهرها داشته‌اند. در حالی‌که توسعه شهری پایدار بخش عمده‌ای از ادبیات شهرسازی سال‌های اخیر را به خود اختصاص داده است، پرداختن به اصول و معیارهای توسعه‌ی محله‌ای هنوز نیازمند پژوهش فراوان است. دیدگاه توسعه پایدار حل مشکلات شهری را استفاده از نیروهای توانمند درون‌زا در محلات شهری می‌داند. هویت اجتماعی در کنار مشارکت می‌توانند حلقه‌ی مفقوده (پایداری اجتماعی محلی) جامعه ما را سامان بخشند، زیرا تا زمانی که فرد احساس تعلق خاطر نکند، مسئولیت‌پذیر نخواهد شد و این عدم مسئولیت‌پذیری هم مانعی بزرگ برای امر مشارکت فعال در زمینه‌های مختلف و متنوع جامعه کنونی شهرها و بخصوص در سطح خردتر، محلات ما می‌باشد.

دستیابی به اهداف توسعه اجتماع پایدار در محله سرتپوله (سنندج)، از طریق بکارگیری فرآیند پیشنهادی برنامه‌ریزی توسعه اجتماع پایدار، با استفاده از مشارکت شهروندان و نهادهای غیردولتی و عمومی محله، و با شرط فراهم آمدن شرایط پایه و پیش‌زمینه‌های بکارگیری این فرآیند، می‌تواند امکان‌پذیر شود؛ هرچند که به دلیل کم‌رنگ بودن سرمایه‌ی اجتماعی، پایین بودن مشارکت شهروندان و نبود سازوکار مشخص برای همکاری و اجرای برنامه، وضعیت محله سرتپوله از منظر توسعه اجتماع، نیاز بیشتری به رسیدگی و سازماندهی دارد. ضمن آنکه توسعه پایدار، در تمامی مراحل و تهیه اجرای فرآیند برنامه پیشنهادی، جزو اهداف کلیدی و تأثیرگذار در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های برنامه توسعه اجتماع پایدار است. بکارگیری برنامه‌ریزی توسعه اجتماع پایدار در محله سرتپوله ممکن است بر اساس نیازها، دارایی‌ها، خواسته‌ها و شرایط گوناگون، در اجتماع یا محله‌ی دیگر تفاوت‌هایی داشته باشد، اما چارچوب اصلی می‌تواند ثابت بماند. گذار مورد نیاز برای مشارکت بیشتر اجتماعات در امور مربوط به محله در چارچوب توسعه پایدار اجتماعی، می‌تواند اجتماعات محلی را به سوی تغییرات ریشه‌ای و گسترده‌تر در تمام سطوح و ابعاد آن اجتماع سوق دهد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که به عنوان مثال عواملی همچون "اعتماد بین ساکنین محله، همگرایی اجتماعی قوی میان همسایگان، حس تعلق مطلوب به محله" به ترتیب با ارزش عددی (۰/۷۷۲، ۰/۷۰۰ و ۰/۶۲۸) بیشترین تأثیر را در پایداری اجتماعی محله دارند. همچنین بین حس تعلق و مدت اقامت در محله، و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، سطح معناداری هر دو شاخص کمتر از ۰,۰۵ و شدت همبستگی نیز به ترتیب بیشتر از ۰,۵ (۰,۷۷۹ و ۰,۹۰۳) بدست آمده است. همچنین؛ شاخص‌های "حس تعلق به محله، اعتماد بین ساکنین محله، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده‌ی محله و رضایت از محله"؛ به ترتیب با ارزش عددی (۰/۲۱۲، ۰/۷۷۱، ۰/۳۳۸ و ۰/۱۴۳) دارای ارتباط مستقیم؛ و نیز شاخص‌های "شرکت در فعالیت جمعی، توجه به منافع ساکنین محله، همگرایی اجتماعی ساکنان، و مشارکت ساکنان"؛ به ترتیب با ارزش عددی (۰/۱۷۱، ۰/۲۳۴، ۰/۱۸۵ و ۰/۰۲۷) دارای ارتباط غیرمستقیم با پایداری اجتماعی محله هستند. و در ادامه پیشنهادهای در ارتباط با رسیدن به پایداری اجتماعی مطلوب محله ارائه شده است. ارائه الگو و چارچوبی برای توسعه‌ی پایدار اجتماعی محله بر مبنای ویژگی‌ها و معیارهای مورد انتظار مانند اختیار دادن به شهروندان و ساکنین محله، در صورتی میسر می‌شود که نقاط ضعف و قوت محله شناسایی و برنامه‌های جامع و هدفمندی (ارائه راهکارها) برای محله تدارک دید. برای این منظور، مبتنی بر نظریه پایه پژوهش و عوامل تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی محله، و در چارچوب دیدگاه شناخت «مشکل - محور (*Problem Oriented*)»، تلاش گردید تا پس از احصاء محورهای قابل طرح در این زمینه، راهکارهای رسیدن به پایداری اجتماعی محله عنوان گردد.

راهکارهای اجتماعی - جمعیتی:

- ✓ اخذ اطلاعات از مردم در مورد مشکلات و اولویت‌های نیاز آنان قبل و بعد از برنامه‌ریزی
- ✓ احترام به نظرات مردم و مشارکت دادن واقعی آنها در برنامه‌ریزی‌های محله
- ✓ رسیدگی به روشنایی معابر در شب جهت امنیت ساکنین

- ✓ طراحی عرصه‌های تجمع عمومی به گونه‌ای که تلفیقی از فضاهای خدماتی، تفریحی به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی میان ساکنین محله باشد
- ✓ تشویق به سکونت درازمدت در محله و جلوگیری از مهاجرت ساکنان اصلی در محله، به منظور افزایش حس تعلق، اعتماد بین همسایگان و ساکنان، افزایش امنیت و... در محله‌ی سرتپوله‌ی سنندج
- ✓ ایجاد فضاهای خاص گفتگو و تعامل اجتماعی در قالب پاتوق‌های محله‌ای، کلوب‌های دوستانه در فضای محله یا پارک‌های محله‌ای
- ✓ تشکیل گروه‌های داوطلب و یاری‌گر محله در زمینه‌های مختلف اجتماعی، خدماتی و عمرانی
- ✓ برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و اجتماعی در سطح محله، با هدف شکل‌گیری فضای تعامل و حلقه‌های اجتماعی و شهروندی

راهکارهای مدیریتی - نهادی و اداری امور محلی:

- ✓ پیش‌بینی و تشکیل شورای محله
- ✓ قوام‌بخشی به شورایی‌های شکل گرفته و حمایت‌های مادی و معنوی از آنها
- ✓ تشکیل هیات امنای معتمد و مسئولیت‌پذیر
- ✓ راه‌اندازی سایت محله برای ایجاد ارتباط با ساکنین و همچنین اطلاع‌رسانی از اهداف و وظایف مدیریت محله عنوان شده
- ✓ ارتباط بیشتر مدیریت محلی با ساکنین از طریق برگزاری جلسات مشترک با گروه‌های مختلف (نهادهای ارگان‌های دولتی و غیردولتی) موجود در سطح محله
- ✓ حمایت و پشتیبانی دولت و شهرداری از ساکنین محله با اعطای تسهیلات تشویقی در جهت بهسازی و نوسازی واحدهای مسکونی محله

راهکارهای اقتصادی:

- ✓ حمایت از اشتغال خانگی و طرح‌های زودبازده
- ✓ ایجاد صندوق اعطای تسهیلات برای حمایت از طرح‌ها و فقرزدایی در سطح محله
- ✓ جذب سرمایه و منابع پایدار درآمدی از جمله: استفاده از منابع بخش خصوصی در اجرای پروژه‌ها، استفاده از پتانسیل (قابلیت) پایین بودن قیمت زمین در محله، به منظور تشویق سرمایه‌گذاری و تزریق پول به محله
- ✓ افزایش سطح مهارت نیروی کار با استفاده از برگزاری کارگاه‌های آموزشی در سطح محله
- ✓ پیگیری اعطای وام بی‌بهره و یا کم‌بهره توسط بانک‌ها و موسسات مربوطه از طرف مدیریت محلی و مدیریت شهری، جهت بهسازی و نوسازی بافت فرسوده

راهکارهای کالبدی - زیست محیطی:

- ✓ تعریض معابر اصلی و فرعی محله جهت دسترسی راحت، بخصوص در مرکز محله
- ✓ جدایی کاربری‌های ناسازگار از کاربری‌های مسکونی، جهت آرامش بیشتر ساکنان
- ✓ برنامه‌ریزی صحیح جهت جمع‌آوری و انتقال زباله از محله
- ✓ تدارک دیدن سطوح زباله جداگانه، جهت تفکیک زباله از مبدا
- ✓ تمیز کردن جوی‌های آب و برنامه‌ریزی جهت ساماندهی شبکه آب‌های سطحی و هدایت آن به طرق بهداشتی

References:

1. Aryanpour kashani, A., & Aryanpour kashani, M. (1996), "Culture University", English - Persian, Tehran, publishing sepehr (in Persian)
2. Becke, B & Damian, K.E (2009). "Community planning", Island Press

3. Caves, R. & Cullingworth, B (2003), "Planning in the USA, Policies, Issues & Process", Routledge
4. Colantonio & Dixon (2011), "urban regeneration & social sustainability: best practice from European cities"
5. Cowan, R (2005), "the dictionary of urbanism", street wise press, USA
6. Daridson, M. Dolnick F (2007), "a Planners dictionary, American planning association"
7. Eskandari sani, M., & Sajadi, J. (2015), "Collective action, community development and their role in reducing urban poverty (Case Study: Tehran Nematabad)", *geography and urban planning - regional*, Number 11, Pages 31-48 (*in Persian*)
8. Friedman, J (1992), "Empowerment: the politics of alternative development", Oxford, Black – well Publication
9. Friedman, J (1992), "Empowerment: the politics of alternative development", Oxford, Black – well Publication
10. Ghafari, GR. & Jamshdzadeh, E. (2012), "Public participation and Urban Affairs (check the obstacles, problems and improving public participation)", Tehran, *Society and Culture* (*in Persian*)
11. GTZ (2004), "chance for sustainable development programme office for social and ecological standards"
12. Habibi, M. & Saeedi rezvani, H. (2006), "Urban collaborate, discover comment on the situation in Iran", *Journal of Fine Arts*, No. 21 (*in Persian*)
13. Harding, D (2007), "cultural context, sexual behavior, and romantic relationship in disadvantaged neighborhood". *American Sociological review*, vol. 171, pp. 334
14. Harris, M.J (2000), "basic principles of sustainable development, global development and environment institute", tufts university Medfor MA 02155
15. Kazemian, GR. & Ghorbanizadeh, V. & Shafia, S. (2013), "Access to local sustainable development through social inclusion residents and activists of the informal economy (Case Study: New Shamiran neighborhood)", *Journal of Urban Studies*, Issue 4 (*in Persian*)
16. Kline, A (2005), "social capital, the social economy and community development", *development journal of oxford university*, 140 – 173
17. Litting, B & Griebler, E (2005), "International journal of sustainable development", vol 8: ½, 65 – 79. Brundtland commission (1987), *our common future*, world commission on environment and development New York
18. Nourian, F. & Mozafaripour, N. (2013), "Needs management performance evaluation with emphasis on characteristics of social capital (Case Study: District 1 District 21 of Tehran's neighborhoods 7)", *Journal of Fine Arts - Architecture*, Volume 18, Issue 4, Pages 47-56 (*in Persian*)
19. Onyx, J., Bullen, P. (2000). "Sources of social capital". In I. winter (Ed), *social capital and public policy in Australia* (pp. 105 – 134). Melbourne: Australian Institute of family studies.
20. . Polese, M & Stren, R (2000), "the social sustainability of cities: Diversity and the management of change", university of Toronto press, Toronto
21. Rajabzade ghafari, A. & Safari, R. & Memarpour, M. (2015), "Application Statistics software SPSS, LISREL, Smart PLS", Tehran, look at knowledge (*in Persian*)
22. . Roseland, M (1997), "toward sustainable Communities resource of citizens and their Governments", Gabriola Island, BC: new society publishers
23. Sachs, I (1999), "Social Sustainability and whole development: exploring the dimensions of sustainable development" in: Egon and J.Thomas, editors, *sustainability and the social sciences: a cross – disciplinary approach to integrating environmental consideration into theoretical reorientation*, zed books, London, New York
24. Sarafi, M. & Tavakolinia, J. & Mohammadian mosamam, H. (2015), "New ideas in urban planning ", published Ghadiani, Tehran (*in Persian*)
25. Sarafi, M. (2003), "The foundations of sustainable development in Tehran metropolis", *publication citizen*, Number 11 (*in Persian*)
26. Tousi, MA. (1992), "Participation in the management and governance", *State Management Training Center*, front, Tehran (*in Persian*)
27. Statistical Center of Iran (2012), *Kordestan province / city of Sanandaj*
28. Yavar, B. (2003), "Participatory urban planning and public participation in the Iranian city (facts, objectives and strategies)", *Master thesis, to help doctor Razia Zadeh, University of Science and Technology* (*in Persian*)